

شباهت‌های اندیشه سیاسی وهابیون و تکفیریون داعش

ابراهیم برزگر

استاد علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

barzegar@atu.ac.ir

طاهره شریف

دانشجوی کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

t.sharif1385@gmail.com

چکیده

داعش، پدیده‌ای نوظهور در سوریه، عراق و برخی کشورهای دیگر به شمار می‌رود که وجوه متعدد و اندیشه‌ها و عملکرد آنها، معماهای زیادی از خود بر جای گذاشته است. در این نوشتار از میان وجوه پدیده، گفتمان، دولت، ایدئولوژی و اندیشه، وجه اندیشه‌ای آن در دستور کار قرار دارد. برای شناخت اندیشه‌هایی که بنیان رفتارهای داعش را تشکیل می‌دهد، از اطلاعاتی که در مورد وهابیت وجود دارد استفاده می‌شود. وهابیت و داعش در سه وجه عقاید سیاسی، اخلاقیات سیاسی و رفتار سیاسی مورد مقایسه قرار گرفته و شباهت‌های بینشی، گرایشی و کنشی داعش و وهابیت شناسایی شده است. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و منابع اسنادی بوده و از روش تحلیل کیفی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. این دو گروه وهابیون و تکفیریون داعش، به مبانی عقلی بی‌توجه بوده، نقل‌گرا هستند و تمسک به اصل هجرت، تکفیر غیر خود، سطحی‌نگری و ظاهرگرایی از جمله شباهت‌های این دو جریان و تکفیر، از جمله عقاید مشترک و مهم آنها به شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: وهابیت، داعش، اندیشه تکفیری، اندیشه سیاسی اسلام.

بیان مسأله

داعش، پدیده‌ای نوظهور است و بنابراین، می‌توان از روش‌های مختلفی برای شناخت آن اقدام نمود، یکی از آن شیوه‌ها، شناخت قبلی ما از پدیده‌های مشابه آن مانند وهابیت و استفاده از اطلاعات موجود است؛ لذا برخی صاحب‌نظران، قائل به شباهت میان وهابیت و داعش هستند.

فرقه وهابیت، با تکیه بر آرای اهل سنت پدید آمده، درباره تفکر و رفتارهای مسلمانان ایده‌پردازی و نظریه‌سازی نموده و ریشه فتواها و آرای آن در نظریات ابن تیمیه نهفته است. محمد بن عبدالوهاب، به‌عنوان مجدد تفکرات سلفی، وهابیت را دستگاه‌مند و آن تفکرات را بازتولید کرد. وهابیون، خود را در تقابل با سایر مذاهب اسلامی دانسته و مدعی‌اند که طرف مقابل، باید عقاید آنها را بپذیرد؛ در غیر این صورت به کفر و شرک متهم می‌شوند.

داعش، آغازه‌ای از حروف اول واژه‌های دولت اسلامی عراق و شام و یک گروه تکفیری جدید است که به‌نوعی از تفکرات وهابیون الهام گرفته و گروهی از تکفیری‌های تندرو و البته سنی مذهب با عقاید افراطی شدید را شامل می‌شود که به تفکر درباره سایر فرقه‌ها و مذاهب اسلامی می‌پردازند.

پژوهشگر سعی دارد در یک چهارچوب نظری، به بیان وجه اشتراک دو جریان تکفیری بپردازد. پرسش اصلی پژوهش این است که شباهت‌های اندیشه سیاسی وهابیون و تکفیریون داعش چیست؟ فرضیه بر این استوار است که مشابهت‌های اندیشه و عمل سیاسی دو گروه تکفیری وهابیون و دولت اسلامی در ابعاد سه‌گانه بینش، گرایش و کنش عبارت‌اند از تکفیر مخالفان، عمل‌گرایی، تکیه بر اصل هجرت.

در این پژوهش، روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و تحلیل اطلاعات، کیفی و توصیفی تحلیلی بوده و نگارنده با بهره‌گیری از منابع الکترونیکی فضای مجازی و سایت‌ها و روش تحلیل اطلاعات کیفی و توصیفی تحلیلی، شباهت‌های دو گروه را در قالب یک الگوی نظری در ابعاد عقاید، احکام و اخلاق بررسی نموده که این نوشتار را از سایر کتب موجود متمایز نموده است.

الگوی تحلیل

جستار سه‌گانه معرفت سیاسی در اسلام

دین اسلام از سه رکن اعتقاد، اخلاق و احکام تشکیل شده است. اکنون این ادعا مطرح می‌شود که این ارکان سه‌گانه، در معرفت سیاسی اسلام نیز تکرار می‌شود و ما به ترتیب به عقاید سیاسی، اخلاق در سیاست و احکام سیاسی برخورد می‌کنیم. پژوهشگر اندیشه سیاسی در اسلام می‌تواند با این محک‌های سه‌گانه، محتوای معرفت سیاسی را در سبدهای سه‌گانه قالب‌ریزی، ساماندهی و به‌روزرسانی کند. اکنون به شرح مختصر هر کدام از این اجزای سه‌گانه پرداخته می‌شود (برزگر ۱۳۸۹: ۴).

الف) عقاید سیاسی

عقاید سیاسی، قسمت اول الگوی اندیشه سیاسی در اسلام به شمار می‌رود و مرزشناسی آن با اجزای دیگر روشن است؛ در حالی که اخلاقیات و احکام سیاسی هر دو در حکمت عملی هستند، عقاید سیاسی در حکمت نظری قرار دارد. از عقاید به‌عنوان اصول دین یاد شده و کسب آنها توسط فرد، باید به‌صورت اجتهادی و یقین‌آور باشد. در حالی که در فروع دین یا همان احکام، تقلید جایز است. در این سبدها نیز باید بین عقاید سیاسی حق و عقاید سیاسی محقق در دیدگاه‌های علمای مسلمان (محقق) تفکیک قائل شد (برزگر ۱۳۸۹: ۴).

ب) اخلاق سیاسی

اخلاق سیاسی، دومین رکن از ارکان سه‌گانه است که مرزشناسی آن با سبدها اول، یعنی اعتقادات آسان‌یاب است؛ به این سبب که اعتقادات در حکمت نظری قرار دارد؛ اما مرزشناسی آن با احکام و فقه سیاسی اندکی نیازمند دقت است؛ زیرا هر دو به اعمال انسانی پرداخته و در حکمت عملی قرار می‌گیرند. اخلاق سیاسی، خود به دو بخش: اخلاق سیاسی حکومت‌کنندگان و اخلاق سیاسی حکومت‌شوندگان تقسیم شده است (برزگر ۱۳۸۹: ۵).

ج) فقه سیاسی

فقه سیاسی، بخش سوم آموزه‌های سیاسی اسلام و بخشی از فقه است که سیاست

و تدبیر امور جامعه اسلامی را بر عهده دارد. از نظر شکلی، یکی از ارکان سه‌گانه الگو را تشکیل می‌دهد و دست‌کم، یک‌سوم محتوای معرفت سیاسی اسلام در این بخش نهفته است؛ اما در اصل، فربه‌ترین بخش و بیشترین حجم معرفت سیاسی را به خود اختصاص می‌دهد. در واقع، با صادرات و خروجی رفتاری انسان در فقه سیاسی مواجهیم؛ اعتقادات (بینش‌ها) و اخلاقیات (گرایش‌ها) در فرد زمینه‌هایی را ایجاد کرده و این دو، پیش‌نیاز لازم برای رفتار سیاسی و ظاهری را فراهم می‌کنند. پیش‌نیازهای رفتار سیاسی را می‌توان در نمودار زیر نشان داد (برزگر ۱۳۸۹: ۵).



نمودار ۱. الگوی تحلیل مقاله در یک نگاه

شبهات‌های میان وهابیون و تکفیریون داعش

وهابیون و تکفیریون داعش، اگرچه خود را تابع سلف صالح دانسته و از منظر خود و بسیاری از نظریه‌پردازان، سلفی به شمار می‌آیند؛ اما در زمره گروه‌های تکفیری قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد این دو جریان در ابعاد اعتقادی، اخلاقی و احکام، مشابهت‌ها و اشتراکاتی دارند که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

شباهت‌های اعتقادی - سیاسی

۱. مسأله توحید و شرک

مسأله توحید و شرک از مهم‌ترین مسائل اعتقادی بین گروه‌های تکفیری از جمله وهابیون و پس از آن داعش است. وهابیون، توحید را به دو قسمت ربوبی و عبادی و شرک را به دو قسمت شرک بزرگ و شرک کوچک تقسیم می‌کنند. توحید ربوبی یعنی اعتقاد به اینکه آفریدگار، رزاق و مدبر امور، تنها خداست و توحید عبادی به این معنا که تمام عبادات برای خدا و مخصوص او انجام شود. شرک بزرگ، همان شریک گرفتن برای خدا و شرک کوچک، عبارت است از ریا و سوگند به غیر خدا (محسن‌الامین ۱۳۸۷: ۱۵۲).

از نگاه وهابیون، توحیدی که در برابر شرک قرار می‌گیرد ترکیبی از هر دو بخش است؛ بنابراین، امکان دارد یک نفر به یگانگی خداوند متعال در آفرینش، تشریح و تدبیر جهانیان معتقد باشد، اما کاملاً «مشرک» به شمار آید! بدین معنا که غیر خداوند یکتا را مورد «عبادت» قرار دهد (بابائی آریا ۱۳۸۹: ۲۰). مسأله توحید و شرک در گروه داعش نیز به خوبی دیده می‌شود؛ آنها توسل به پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع) را از مصادیق شرک دانسته و نیمی از مسلمانان و چه بسا بیشتر آنها را مشرک قلمداد می‌کنند.

داعش در یک تقسیم‌بندی مشابه وهابیون، توحید را به سه دسته توحید الوهیت، توحید ربوبیت و توحید اسما و صفات تقسیم کرده است و بر اساس این تعریف، اعتقاد صحیح از ناصحیح جدا می‌شود؛ زیرا بر اساس ماهیت سه‌بعدی توحید، ایمان به توحید ربوبیت نافی شرک نیست و فقط در کنار دو بعد دیگر کامل می‌شود. به عبارت دیگر، هرکس که به سه نوع توحید اعتقاد نداشته باشد، صرف‌نظر از اینکه سنی باشد یا شیعه، مشرک است. از منظر داعش با اعتقاد هم‌زمان به سه دسته توحید، یک فرد مسلمان تلقی شده و در غیر این صورت مشرک یا کافر است.

در بیانیه ۱۹ ماده‌ای داعش آمده است: «ما به نابودی تمام مظاهر شرک و تحریم ابزارهای آن اعتقاد داریم». تکفیریون داعش با استناد به این روایت، تمام بناهای قبور اولیای الهی را به گمان شرک بودن تخریب می‌کنند. آنها با استناد به روایت‌های این‌چنینی و با تفسیر به رأی تعریف توحید و شرک می‌کنند و به دنبال آن میلیون‌ها مسلمان را مشرک و کافر می‌خوانند (صدرالحسینی ۱۳۹۵: ۶۸).

۲. توسعه معنایی و مصداقی کفر و تحدید ایمان

کفر در لغت به معنای ستر و پوشاندن است و در اصطلاح، ایمان نیاوردن به چیزی که از شأنش ایمان آوردن به آن است؛ مانند عدم ایمان به خداوند، توحید، نبوت و معاد. کفر و کافر از اصطلاحات پرکاربرد وهابیون است، آنها وقتی عقاید مسلمانی را قبول نداشته باشند، با نسبت دادن کفر و شرک و ارتداد، نه تنها او را از دایره اسلام خارج می‌کنند؛ بلکه از مشرکان جاهلیت نیز بدتر می‌دانند. محمد بن عبدالوهاب، بنیان‌گذار مذهب وهابیت با گسترش محدوده کفر، مسلمانان و غیر مسلمانان را تکفیر نموده و به عبارتی، در تکفیر بزرگنمایی می‌کند؛ مثلاً ضمن تکفیر امامیه می‌گوید: «من شک فی کفرهم فهو کافر؛ و هر کس در کفر آنان شک کند، خودش کافر است» (رضوانی ۱۳۸۵ الف: ۳۱-۲۸).

دایره تعریف گروه نوظهور داعش از کفر نیز مانند وهابیت وسیع است. از نظر داعش، کسانی که مثل آنها فکر می‌کنند مؤمن و تمام کسانی که برخلاف آنها می‌اندیشند، دیگری یا غیر خودی هستند؛ هرچند به ظاهر مسلمان باشند. یکی از شعارهای آنها به سخن محمد بن عبدالوهاب شبیه است که می‌گویند: «من لم یکفر الکافر فهو کافر؛ هر کس کفری را کافر نداند، پس خود کافر است».

در نگاه داعش، اگر فردی نتواند مسلمان بودن خود را اثبات کند؛ کافر است و باید برای اثبات مسلمانی برهان داشته باشد و دلیل نزد آنها این است که فرد به همان چیزی ایمان داشته باشد که آنها باور دارند و در غیر این صورت و در صورت نقض این اصل، خون فرد، ناموس و اموالش بر آنها مباح می‌شود (صدرالحسینی ۱۳۹۵: ۷۲). اما مفهوم ایمان، نقطه مقابل کفر است. همانطور که ابن‌منظور در *لسان‌العرب* می‌گوید: ایمان دو استعمال دارد: «یکی ضد کفر و دیگری تصدیق؛ ضد تکذیب» (ابن‌منظور ۱۴۱۹ ج ۱۳: ۲۱). اما وهابیون، عمل را بخشی از ایمان می‌دانند و به معنای اصطلاحی آن اکتفا نمی‌کنند؛ بنابراین بسیاری از اعمال را که موجب تکفیر نمی‌شود، کفر قلمداد می‌کنند» (رضوانی ۱۳۸۵ الف: ۳۰).

تکفیریون داعش هم مانند وهابیون، عمل را جزئی از ایمان می‌دانند و به تلازم ایمان و عمل اعتقاد دارند. از نظر آنها اگر کسی به خدا ایمان داشته باشد، ولی مرتکب گناهان کبیره شود، از دین خارج شده و مرتد است و در صورتی که کفرش کفر بزرگ باشد، جهاد علیه او واجب است (علیزاده موسوی ۱۳۹۳: ۹۴).

۳. تأکید بر نقل و بی‌توجهی به عقل

احمدبن حنبل و ابن تیمیه از معلم‌های فکری محمد بن عبدالوهاب، برای عقل هیچ جایگاهی قائل نبوده و به سماع و شنیدن، یعنی توجه کردن و پرداختن به ظاهر آیات و احادیث نبوی در عقاید و عدم توجه به عقل تکیه محکمی داشتند. احمدبن حنبل در مسائل اعتقادی هیچ ارزشی برای عقل قائل نبود، عقل را کاشف و حجت نمی‌دانست و می‌گفت: «ما روایت را همانگونه که هست بیان می‌کنیم و آن را تصدیق می‌نماییم» (رضوانی ۱۳۸۵: ۱۱-۱۰).

وهابیون برای عقل و تفسیر عقلی اهمیتی قائل نبوده و به لحاظ روشی، منقولات دینی و احکام شرعی را بر داده‌های علمی و عقلی مقدم می‌دارند. در این نوع برداشت، دانش‌های نوین بشری فتنه هستند؛ زیرا انسان را از خداوند بی‌نیاز می‌کنند و بی‌نیازی از خداوند از مصادیق شرک است.

عقل در نگاه تکفیریون داعش نیز اهمیتی ندارد، لذا از تابعان و علمایی که در سخنان آنها نقد، طعن و طرد پیروان مذاهب و فرق اسلامی به‌ویژه شیعیان نمود بارزی دارد؛ احادیثی نامعتبر و ضعیف نقل می‌کنند. نویسندگان داعش در نقل احادیث و برای اشاره دقیق به منابع استفاده شده در متون خود، نیازی نمی‌بینند که به منابع معتبر حدیثی رجوع کنند. گروهی تکفیری که فقط نقل را قبول دارد و بر این باور است که عقل و شهود، جز نشان دادن باطل کاری انجام نمی‌دهد و عقل در باب خداوند و امور اعتقادی، هیچ فهم صحیحی ندارد. پس عقل در مبانی اعتقادی آنها هیچ نقشی در اکتشاف حقیقت ندارد و به این ترتیب، معرفت عقلی از قلمرو دین و رسالت انبیا بیرون می‌آید (مصطفی ۱۳۹۴: ۹۶-۹۳).

۴. تکفیر مخالفان فکری و غیریت‌سازی

تکفیر مسلمانان دیگر و هر مسلمانی که با عقیده آنها هم‌نظر نباشد، یکی از بارزترین اصول مذهب وهابیون است. برای روشن‌تر شدن نظر وهابیون به طرح سخنان محمد بن عبدالوهاب می‌پردازیم:

کسانی که به توسل به غیر خدا می‌پردازند، همگی کافر و مرتد از اسلام می‌باشند؛ هر کس که کفر آنان را انکار کند یا بگوید که اعمالشان باطل است، حداقل خود فاسق است و شهادتش پذیرفته نیست و نمی‌توان

پشت او نماز گزارد. در واقع، دین اسلام جز با برائت از آنان و تکفیرشان صحیح نمی‌شود. انسان با ظلم از اسلام خارج می‌شود و به فرموده آیه سیزدهم سوره لقمان «إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (رضوانی ۱۳۸۵: ۳۵-۳۸). داعش نیز از همین ابزار برای انسجام عناصر خود بهره می‌گیرد. در منظومه اعتقادی دولت اسلامی، تسریع فرآیند تکفیر مسلمانان در تقابل دوگانه‌ای در قالب توحید و شرک فراهم می‌شود؛ هرکسی از جامعه اسلامی و مسلمانان که با آنها همدستی کند، مشرک تلقی شده و مستحق شدیدترین مجازات و عقاب است. در واقع، تکفیریون داعش تلاش دارند تقابل خود را با الگوی رفتاری دوره سلف به‌ویژه صدر اسلام منطبق گردانند.

داعش در بیانیه‌ای به نقل از پایگاه خبری «المختصر» که به سلفی‌های عراق تعلق دارد، اعلام کرد: علمایی که از بیعت با ما خودداری کرده‌اند، از نظر شرعی بر خلیفه مسلمین خروج کرده و کسی که بر خلیفه خروج کند، زندیق یا مرتد به حساب می‌آید (قاسمی ورجانی ۱۳۹۴: ۱۲۷).

۵. توسل و شفاعت

به عقیده و پندار وهابیان، درخواست شفاعت از پیامبران، صلحا و فرشتگانی که خداوند برای آنها حق شفاعت عطا فرموده است نامشروع بوده و کفر و شرک محسوب می‌شود. چنانکه در رساله «اربع القواعد» تصریح کرده می‌گوید: «رهایی از شرک جز از عمل به آن چهار قاعده صورت نمی‌گیرد» و در رساله «کشف الشبهات» می‌نویسد: «آنان یعنی غیر وهابیان برخی از مخلوقات را واسطه میان خود و خدا قرار می‌دهند و گویند می‌خواهیم با آنها به خدا تقرب پیدا کنیم و نزد خدا برای ما شفاعت کنند» (محسن‌الامین ۱۳۸۷: ۲۴۵). وهابیون، برای تمام کسانی که از امامان، اهل بیت^(ع) یا صالحان دیگر تقاضای شفاعت کنند، حکم کفر صادر کرده و آنها را مشرک خوانده‌اند؛ زیرا قائل هستند که ارواح اولیا و انبیای الهی بعد از مرگ قادر به برآوردن حاجت‌های طلبکار و سائل نیستند، لذا توسل موجب شرک است و کفر قلمداد می‌شود (بامری ۱۳۹۴: ۹۵-۱۰۶).

همچنین گفته است:

ما منکر شفاعت نیستیم، بلکه پیامبر را شفیع دانسته و به شفاعت او امیدواریم، اما شفاعت برای خداست «قل لله الشفاعة جميعاً» (زمر/۴۴) و جز با اذن خدا

کسی قادر به شفاعت کردن نیست (رضوانی ۱۳۸۵ الف: ۳۷-۳۴).

شفاعت خواستن از غیر خدا و توسل به بزرگان دین به طور مشخص در اندیشه داعش نیز وجود دارد و سبب گسترش دایره تکفیر برای آنها شده است. در شماره هفتم مجله *دابق* چنین آمده است:

کافران معنی لا اله الا الله را تحریف کردند و به معنی «هیچ خالقی به جز خدا وجود ندارد». آنها به طور اشتباهی خود را به اسلام نسبت می‌دهند در حالی که مردگان را پرستش می‌کنند، فراموش کردند که مشرکین عربی که پیامبر با آنها جنگید نزاع نداشتند که خدا تنها خالق مخلوقات است؛ بلکه تصدیق کردند خدا تنها خالق است - آنها شفاعت کنندگان را پرستش می‌کنند که به دنبال شفاعت‌گران شرکی از میان خود هستند (Dabiq, Rabi'Al-Akhir 1436, Issue 7:22)

در شماره دوم این مجله آمده است:

بنابراین طلب کردن کمک خدا در برابر گستره متفاوت شرک، ارتداد و انحراف در زمان ما برای مردمانی است که مجذوب توده این اعمال و تحت تأثیر آنها قرار گرفته‌اند و برای کسانی که از این اعمال نجات یافته‌اند، یکی از جریان‌های اسلامی را از روش اهل سنت منحرف شده‌اند را منحل می‌کنند و ما از خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم (Dabiq, Ramadan 1435, Issue 2:11)

۶. پرهیز از هرگونه اجتهاد و تفسیر در احکام دین

در میان وهابیت، مسأله اجتهاد و ویژگی‌ها و شرایط آن از جمله مسائلی محسوب می‌شود که اطلاعات منسجم و دسته‌بندی شده درباره آن در دسترس نیست. آنها با اعتقاد به اصل اجتهاد آزاد، تقلید از یکی از مذاهب چهارگانه را لازم نمی‌دانند؛ بلکه برخلاف آن مذاهب اجتهاد می‌کنند. محمد بن عبداللطیف، یکی از نوادگان عبدالوهاب در اواخر رساله پنجم از رسائل *الهدیه السنیه* می‌نویسد: مذهب ما مذهب احمد بن حنبل است و ما مدعی اجتهاد و طرفدار آن نیستیم؛ اما اگر سنت و حدیث صحیحی از پیامبر (ص) بر ما معلوم گردد، بدان عمل می‌کنیم و سخن هیچ‌کس را بر آن مقدم نمی‌داریم (محسن‌الامین ۱۳۸۷: ۱۳۵). همانطور که مشخص است او در ابتدای کلام خود، اجتهاد را نفی کرده؛ اما در پایان به آن اعتراف می‌کند (محمدیان خراسانی ۱۳۹۰: ۱۹۱-۱۸۸).

اجتهاد، یکی از مفاهیم محوری جریان تکفیری داعش به شمار می‌رود؛ نگاه آنها به اجتهاد، بسیار ساده و سطحی بوده و شاید بتوان گفت ابوالاعلی مودودی اولین بار بحث اجتهاد را طرح و بحث نمود. در شماره ششم *دابق* اینگونه آمده است:

تصمیم رهبر خود را تأیید کنید و راه و ایده او را قبول کنید، زیرا هیچ‌گونه نفاق انحرافی وجود ندارد، ایده یا مسأله اجتهادیست یا بر اساس شریعت است و خطا و اشتباهی را در بر نمی‌گیرد. تا آن زمان که شما در طلب پاداش خدا باشید، بدانید که پاداش در گوش دادن و تبعیت از رهبران شماسست در شرایطی که مخالف شریعت نباشد (Dabiq, Rabi'Al-Awwal 1436, Issue 6:10)

۷. بدعت

واژه بدعت، یکی دیگر از کلمات پر کاربرد نزد وهابیون است و هر عقیده یا عملی را که بر پایه قرآن، سنت و یا عمل صحابه پیامبر (ص) نباشد در بر می‌گیرد. محمد بن عبدالوهاب، انجام کارهایی مانند برگزاری جشن میلاد پیامبر (ص)، توسل، خواندن فاتحه پس از نمازهای واجب و بسیاری اعمال دیگر مانند تزئین مساجد را به این علت که در سنت موجود نبوده، بدعت و حرام شمرده و به حدیث «کل بدعة ضلالة و کل ضلالة فی النار» استناد می‌کند (رضوانی ۱۳۸۵: الف: ۴۶). با رجوع و تحلیل فتاوی وهابیان پی می‌بریم که بسیاری از مسائلی که در بین مسلمانان سنت است، از نظر آنها بدعت تلقی می‌شود.

مسأله بدعت در گروه تکفیری داعش نیز وجود دارد، چنانچه در صفحه ۳۲ از شماره اول *مجله دابق* چنین آمده است:

شیخ الاسلام ابن تیمیه بیان کرد: معمای هجرت، ترک گناه و مردم آن است؛ مانند هجر (ترک، پرهیز) از دعوت‌کنندگان بدعت، گناهکاران و آنهایی که با این افراد مخلوط شدند یا به آنها کمک کردند. باید با حجر مجازات شود، زیرا او به مسلمانان در پرهیزگاری و پارسایی کمک نکرده است. پس، اهل بدعت (افراد نوآور در دین)، معتادین، برای دین اسلام مضر هستند و شریک شدن با آنها نیز مضر است. هر کسی که آنها را ترک نکند واجب را ترک نکرده و کاری ممنوع را انجام داده است (نجات ۴۱۳۹: ۴۶).

۸. آسان‌سازی دین با عمل به ظواهر

از مهم‌ترین مبانی عقیدتی تکفیری‌ها، پیروی از ظواهر آیات قرآن و سنت و مخالفت با تأویل و تفسیر است. آنها برای استنباط احکام فقهی خود به ظواهر آیات و روایات، آن هم در پایین‌ترین درجه توجه دارند. در میان منابع، بیشتر با نصوص قرآن و سنت سروکار داشته و به ندرت از سایر منابع استفاده می‌کنند. برای مثال، توجه به رؤیت خدا در آخرت «وجوه یومئذ ناضره الی ربها ناضره» (قیامت/۲۳-۲۲)؛ ویل صدور گناه از جانب پیامبران «...و عصی آدم ربه و ظن داوود انما فتناه فاستغفر ربه محسن» (غافر/۵)؛ منکر خواندن غیر خدا و شفاعت خواستن و کمک طلبیدن از غیر خدا را جایز ندانستن «فلا تدعوا مع الله احدالله شفاعة جمیعاً..» (عظیمی ۱۳۷۹: ۱۹-۶).

تکفیری‌ها که داعش از دل آنها به وجود آمده است، ظاهرگرایی را پذیرفته، تأویل را انکار کرده و معتقدند اگر راه تأویل باز شود، دین از در دیگر خارج می‌شود. همچنین بر این باورند که باید به همه آنچه خداوند در قرآن گفته است تمسک کرد و پذیرفت که آن، حقیقتی در بالا دارد؛ یعنی اگر خداوند فرموده که خدا دست دارد، باید پذیرفت که خدا حقیقتاً دست دارد، واقعیتی به نام دست خدا وجود دارد و نباید آن را تأویل کرد و به قدرت یا هر چیز دیگری تفسیر نمود. برای مثال به آیه «و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون» (مائده/۴۷) استناد کرده و بقیه مسلمانان و شیعیان را تکفیر می‌کنند (قاسمی ورجانی ۱۳۹۴: ۱۳۱).

۹. مباح دانستن خون و مال مخالفان خود

بر اساس مبنای فکری وهابیون که مخالفان خود را کافر می‌شمارند، میان ایمان و عمل تلازم وجود دارد؛ به این معنی که اگر کسی که به خدا ایمان دارد مرتکب گناه کبیره شود، از دین خارج شده و کافر محسوب می‌شود. در واقع، هیچ مکتبی را به غیر از خود قبول و بر حق ندانسته و با محدود نمودن اسلام به خود، بین فرقه‌های اسلامی غیر وهابی و سایر ادیان تفاوتی قائل نشده و با هر چه غیر وهابی باشد دشمنی دارند. محمد عبدالوهاب، بیشتر مسلمان‌ها و حتی متکلمین اهل مکه و اهالی برخی مناطق را به جهت همراهی نکردن و مخالفت با عقاید خود تکفیر کرد و مأموریت مباح بودن ریختن خون‌ها به دست آل سعود و مشروع بودن آن را برعهده گرفت» (رضوانی ۱۳۸۵ الف: ۳۴-۲۸).

داعش، تمامی جوامع مخالف خود و تفکر جهاد را تکفیر کرده و ریختن خون آنها را حلال می‌داند. برای مثال در ورود به شهر موصل پس از قتل و غارت و خشونت بیش از اندازه دستور به بیعت دادند و هرکسی را که بیعت نکرد به قتل رسانده و سر از تنش جدا نمودند (عبدالمالکی ۱۳۹۴: ۲۴). به لحاظ اعتقادی، هر که غیر از خود را کافر و مشرک دانسته، جهاد با آنها را واجب و ریختن خون آنها را لازم می‌شمارد؛ از همین رو اعمال غیرانسانی داعش ریشه در اعتقادات آنها دارد.

۱۰. ضعف بینش سیاسی و بصیرت

وهابیون در ظواهر و زمان توقف کرده، ضعف شناختی سبب اختلالات رفتاری آنها شده و در تجزیه و تحلیل سیاسی ضعیف هستند. آنها با دمیدن در آتش اختلاف‌های مذهبی و تفرقه میان کشورهای اسلامی، درصدد تضعیف اسلام و دولت‌های مسلمان بوده و با قرار گرفتن در مسیر دیپلماسی عمومی آمریکا به تضعیف جهان اسلام کمک می‌کنند (هرسیج-تویسرکانی ۱۳۹۳: ۱۹۳).

داعش نیز در بینش و بصیرت سیاسی ضعیفی عمیق داشته و در عمل، در زمین دشمنان اسلام و مسلمانان یعنی صهیونیست‌ها و آمریکا بازی می‌کند. اگرچه در ظاهر، مواضع و بیانیه‌های داعش خلاف این مطلب را می‌رساند؛ اما با بررسی مواضع آمریکا و رژیم صهیونیستی دقیقاً به این نکته خواهیم رسید. داعش با دشمن دانستن آمریکا و مقامات رژیم صهیونیستی در ظاهر از آنها دوری کرده، اما برخلاف آن عمل می‌کند (قاسمی ورجانی ۱۳۹۴: ۱۳۵).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شباهت‌های اخلاقی - سیاسی میان داعش و طالبان

۱. انگیزه حق‌طلبانه و پیمودن راه باطل در عمل

وهابیون با این تفکر که اسلام تنها منحصر به آنهاست، هیچ مکتبی جز خود را بر حق ندانسته و مخالفان خود را تکفیر می‌کنند. آنها به دنبال از بین بردن ثبات مسلمانان بوده و با کارهای خود، سعی در متزلزل نمودن اراده دینی و اعتقادات مسلمانان دارند. اعتقادات، علاوه بر اینکه از آرا و پندارهای پیشینیان نشأت گرفته است؛ به عنوان یکی از عوامل اصلی ایجاد اختلاف و تفرقه میان مسلمانان جهان محسوب می‌شود (هرسیج-تویسرکانی ۱۳۹۳: ۱۰۹).

نوعی انگیزه دینی مشخص در گرایش‌های تکفیریون داعش وجود دارد که از جمع متناقض صفات گرایشی در آنها خبر می‌دهد. در بیان انگیزه حق طلبانه داعش همین بس که بیشتر افرادی که عضو داعش می‌شوند، تصورات آرمانی داشته و خواهان این هستند که در نقش یک قهرمان ظاهر شوند (عبدالمالکی ۱۳۹۴: ۶۵)؛ در نهایت، با تفکر شهادت در مسیر جهاد در راه خدا، دست به عملیات انتحاری زده و خود و دیگران را نابود می‌کنند. با استفاده از انگیزه حق در راه باطل، خود و نفوس دیگر مسلمین را از بین می‌برند.

۲. بازیگران و بازخوردها در وهابیون و تکفیری‌های داعش

یکی از فرضیه‌هایی که شواهد و مؤیدات قوی برای آن وجود دارد، اینکه به دو سطح تحلیل در مورد رفتارشناسی وهابیون و تکفیریون داعش قائل باشیم. در سطح تحلیل رهبران، افراد مغرض و بازیگری وجود دارند که از افکار ساده‌دلانه و عواطف دینی مردم استفاده ابزاری می‌کنند؛ افرادی نظیر «عبدالعزیز بن باز» از علمای برجسته معاصر وهابیت و «بوبکر البغدادی» به عنوان خلیفه و امیرالمؤمنین سازمان دولت اسلامی معرفی می‌شوند که بازی خورده‌ای بیش محسوب نمی‌شوند.

در کشورهای اسلامی، عملکرد وهابیون در خدمت سیاست‌های استعماری غربی بوده است. اگر به آثار باقی مانده از محمد بن عبدالوهاب و رهبران نخستین بعد از او بنگریم، هیچ اثری از آبادی زمین، برپایی عدالت و دادرسی مظلوم و یا مبارزه با فقر و جهل پیدا نمی‌کنیم (هرسیچ-تویسرکانی ۱۳۹۳: ۲۵۰).

گروهی مثل داعش، بدون حمایت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی قادر به انجام این حجم از عملیات نظامی و انفجارهای تروریستی نیست و در این میان، نام امریکا و عربستان بیش از همه شنیده می‌شود. اطلاعات موثقی از نقش سازمان اطلاعات عربستان و شخص بندر بن سلطان، رئیس سابق دستگاه جاسوسی این کشور در تشکیل گروه‌های تروریستی خطرناکی همچون داعش و جبهه النصره حکایت داشته و دلارهای حاصل از فروش نفت عربستان، خرج حمایت مالی و تسلیحاتی داعش می‌شود (صدرالحسینی ۱۳۹۵: ۱۷۳). در خصوص حمایت امریکا از داعش نیز به سخن هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه سابق امریکا استناد می‌کنیم که در کتاب خاطرات خود به اثبات ادعای ایجاد و حمایت امریکا از داعش اشاره کرده است (نورانی ۱۳۹۴: ۱۲۴).

ناسازگاری مذهبی با مسلمانان و ناسازگاری حداکثری با غیرمسلمانان

حمایت وهابیون از گروه‌هایی مانند القاعده، طالبان و دیگر جریان‌های تکفیری، چالش‌ها و خطراتی را در جهان اسلام به وجود آورده و راه را برای تجاوز دشمنان به کشورهای اسلامی باز کرده است. از اقدامات وهابیت در سراسر جهان اسلام، می‌توان به فعالیت القاعده در عراق، افغانستان و سومالی اشاره کرد که با ایجاد خشونت و رعب وحشت، در صفوف مسلمانان تفرقه و نفاق ایجاد کرده و به این ترتیب در راستای اهداف کشورهای غیرمسلمان قرار گرفته است.

وهابیون، هیچ تحرکی علیه کشور اسرائیل از خود نشان نمی‌دهند، حتی گروه‌های تندروی منتسب به آنها نیز تاکنون یک سنگ هم به سمت رژیم صهیونیستی نینداخته، یا در محکومیت جنایات آنها و تهدید به تلافی و مقابله به مثل فتوایی صادر نکرده؛ بلکه در بسیاری موارد، پرده نفاق از نقاب خود برداشته و خود را برادر اسرائیل می‌خواند (هرسیج-تویسرکانی ۱۳۹۳: ۱۳۱).

زرقاوی پس از تشکیل «القاعده فی البلاد الرادفین»، شیعیان را به طور رسمی و علنی دشمن اول خود اعلام کرده و ضمن تکفیر عموم شیعیان، کشتن آنها را جایز می‌شمرد. با علم به اینکه شیعیان مسلمان هستند، اما حکم به تکفیر و قتل آنها می‌دهد (صدرالحسینی ۱۳۹۵: ۱۶۲). توجیهاتی این چنین، ماهیت اصلی این گروه تکفیری را آشکارا نشان می‌دهد؛ در حقیقت آنها به فکر مسلمانان نبوده و برای اینکه به قدرت طلبی و دنیاطلبی خود جامه عمل بپوشانند، این چنین خون مسلمانان را می‌ریزند، اموال آنها را به‌عنوان غنائم جنگی تصاحب می‌کنند و نوامییشان را به‌عنوان کنیز بازار برده‌فروشان می‌فروشند؛ همان کارهایی که وهابیون سعودی با فتواهای محمد بن عبدالوهاب در دویست سال پیش انجام داد و نتیجه‌ای به‌غیر از قتل، غارت و تفرقه برای مسلمانان نداشت.

استقبال از مرگ با آغوش باز

بزرگ‌ترین نقطه اشتراک میان گروه‌های تکفیری، وعده پیروزی یا شهادت در راه عقیده و آرمان است که عنصری محوری در میان اعضای این گروه‌ها به شمار می‌رود. وهابیون در میدان جنگ، شجاعت و از خود گذشتگی نشان داده و به گمان خود، اگر بمیرند راهی بهشتند و در جنگ‌ها این رجز را می‌خوانند: «هبت هبوب الجنة وین انت یا با عینها» (محسن‌الامین ۱۳۸۷: ۸۸).

اعتقاد گروه تکفیری داعش نیز چنین است، آنها با استناد به برخی آیات و روایات و برداشت‌های منحصر به خود، ترور و عملیات انتحاری را جهاد فردی و واجب می‌دانند که مسلمان باید در فرصت مناسب به آن اقدام کند. از نظر اسلام، خودکشی گناهی بزرگ و نابخشودنی به شمار می‌رود، در حالی که از نظر تکفیریون داعش، خودکشی برای کشتن دشمنان خدا جهاد و شهادت است و افرادی که به اقدامات انتحاری دست می‌زنند شهید شده و مستقیم وارد بهشت می‌شوند. سلیمان بخیت، محقق اردنی می‌گوید:

از نظر داعش، تو پیروزی! چه بمیری، چه زنده بمانی؛ چنانچه کشته شوی با پیامبر^(ص) و خداوند ملاقات خواهی کرد و اگر زنده بمانی، به سفر خود ادامه خواهی داد (نورانی ۱۳۹۴: ۳۰).

۳. قشری و کوتاه‌نظری

وهابیون به علت ظاهرگرایی و جمود فکری، دچار اهمال و تفریط، کوتاه‌اندیشی و کوتاه‌نظری شده؛ زیارت قبور، توسل و تبرک به اولیا و طلب شفاعت از ایشان و عبادت و پرستش غیر خدا را اعمالی شرک‌آمیز و حرام می‌دانند. به صورت قشری و سطحی به دین نگاه کرده و به عمق دین توجهی ندارند؛ در واقع دین خود را به جای پیامبر اسلام^(ص)، از ابن تیمیه گرفته‌اند. به عبارت دیگر، در دین ابن تیمیه هستند؛ نه در دین رسول‌الله^(ص)، چراکه هر جا نظر ابن تیمیه با نظر پیامبر^(ص) مخالف است، نظر ابن تیمیه را پذیرفته‌اند (مکارم شیرازی ۱۳۸۴: ۲۵-۲۳).

تکفیریون داعش نیز مردمانی قشری و تنگ‌نظر هستند که مبانی اندیشه‌ای آنها بسیار بسیط و ساده بوده و خود را درگیر گفت‌وگوهای تئوریک نمی‌کنند (ریچاردسون ۱۳۹۵: ۲۸۳). برای نمونه در شماره اول نشریه *د/بقی* آمده است:

اگر فردی بگوید، شما افراط‌گراها، آیات ظاهری مرتب با کفار و مشرکین را برای مسلمانان این عصر به کار برده و تفاوت بین این دو را در نظر نگرفته‌اید، اینگونه پاسخ خواهیم داد که توصیف بیشتر مردم این عصر به عنوان مسلمان به این خاطر است که گفتن لا اله الا الله آنها نباید مانعی برای دیدن چیزی که راه است شود یا توصیف موقعیت به عنوان چیزی که باید توصیف شود (Dabiq, Ramadan 1435, Issue 1:24-25)

۳- شباهت‌های رفتاری - سیاسی

۱. ظاهر مقدس افراطی و تظاهرات دینی (درونی سازی)

ظاهراً وهابیون در دین متعصب بوده، در مسائل دینی سخت‌گیرند، نماز را به موقع انجام می‌دهند، در عبادت خدا می‌کوشند، تقوای خدا پیشه می‌کنند و حتی از تلگراف هم استفاده نمی‌کنند که دلیل این کار و حکم شرعی آن معلوم نیست (محسن‌الامین ۱۳۸۷: ۸۱). آنها ظاهر خود را نیز با دیگر مسلمانان متفاوت کرده‌اند تا به گمان خود از مشرکان قابل تشخیص باشند، دستاری سفید بر سر بسته، سبیل‌های خود را تراشیده و ریش‌هایشان را زیاد بلند نمی‌کنند؛ محاسن خود را حنا بسته و لباس‌های عربی کوتاه می‌پوشند.

داعشی‌ها نیز به اسلام راستین اعتقاد نداشته، تنها به ظاهر اسلام بسنده کرده‌اند و هیچ‌کدام از کارهای آنها با روح اسلام ارتباط ندارد. این گروه، با تشکیل دولت اسلامی و در پی آن ایجاد امارت‌ها، وظایفی برای هر امارت در نظر گرفت. مثلاً اجرای احکام شریعت با توسل به زور و خشونت، اجبار زنان به رعایت حجاب و اجبار مردان به شرکت در نماز جمعه یکی از وظایف این امارت‌هاست و هر که تخلف کند، حد شرعی بر او جاری می‌شود (فیروزآبادی ۱۳۹۳: ۵۵).

مصادیق دین‌گرایی ظاهری در میان اعضای داعش، جدی محسوب می‌شود؛ آنها در ظاهر بسیار متشرع بوده و نماز اول وقت به جای می‌آورند. در بیانیه سوم این گروه آمده است: هر کس که بر فروش این محصولات (لوح‌های فشرده موسیقی و آلات نواختن موسیقی) اصرار داشته باشد، باید همه مایملکش سوزانده شود و بر اساس قوانین شریعت مجازات شود. باید همه فروشگاه‌ها ده دقیقه پیش از اذان بسته شده و همه بدون استثنا برای خواندن نماز به مساجد بروند و کسی حق ماندن در خیابان‌ها را ندارد. هر کس در زمان نماز در خیابان دیده شود مجازات خواهد شد (قاسمی ورجانی ۱۳۹۴: ۱۲۴).

۲. تکیه بر جهل و تعصب جاهلی

در عرف، واژه تعصب به اعتقاد و پایبندی شدید نسبت به چیزی معنا شده که در گذشته نیز مفهومی نزدیک به معنی امروزی داشته است؛ اما تعصب همیشه مذموم است، زیرا همواره با جمود فکری، یک‌جانبه‌نگری و پیش‌داوری‌های غیرمنطقی در آمیخته

و همیشه سبب عقب‌افتادگی و نفرت است. وهابی‌ها مسلمانان را به اندک رفتاری مشرک دانسته و خون و مال آنها را مباح می‌دانند. فردی مانند ابن‌عبدالوهاب که علما و بزرگان مخالف خود را «جهال» خطاب می‌کند، به آنها «ایها المشرک» می‌گوید و هرکسی را که سخنان وی را نپذیرد کافر مهدورالدم می‌داند؛ چه چیزی کم از تعصب شدید و جاهلی دارد؟ (مکارم شیرازی ۱۳۸۴: ۲۲-۲۱)

اینگونه رفتارهای مذموم و تعصب شدید در گروه مونولوگ داعش نیز دیده می‌شود. وضع احکامی مانند: ممنوعیت خرید و فروش آلات موسیقی، امر به خواندن نماز در وقت خود و یا حلال کردن زنان شیعیان و صفویان برای خود که عدم رعایت آن و سرپیچی از قوانین مستوجب مجازات می‌شود، به نوعی تعصبات خشک این گروه را به تصویر می‌کشد (قاسمی ورجانی ۱۳۹۴: ۱۲۵). حتی استفاده از تعصبات قبیله‌ای افراد، یکی از عوامل موفقیت داعش در گسترش قلمرو خود در کشورهای عراق و سوریه است.

۳. تمسک به اصل هجرت و تکفیر

هجرت در اندیشه عملی وهابیون، نوعی ساز و کار تعیین مرز است که بر اساس آن، فرد باید به قلمرو دولت مؤمنان (دولت سعودی)، که با تلاش‌های وهابیون تأسیس شده است، مهاجرت کند. ابن‌عبدالوهاب در رساله‌ای به نام *سه اصل* می‌نویسد: هجرت از سرزمین شرک به سرزمین اسلام بر امت مسلمان واجب و این تکلیف تا روز قیامت به قوت خود باقی می‌ماند (محسن‌الامین ۱۳۸۷: ۱۳۵).

تکفیریون داعش با توجه به باور تکفیر مسلمانان و لزوم گریز از دار کفر به دار ایمان و سکونت در دار هجرت، همواره با جامعه و دولت‌ها در ستیز بوده‌اند؛ تکفیر و بعد از آن هجرت از سرزمین کافران به سرزمین ایمان، دو ستون اصلی و همیشگی استراتژی آنها بوده است. بیشترین بحثی که در سه شماره اول *مجله دابق* به آن پرداخته شده، اصل هجرت است:

امیرالمؤمنین فرمودند: بنابراین، مسلمین بشتابید به دولت خودتان. بله این دولت شماس است. بشتابید زیرا سوریه برای سوره‌ای‌ها نیست و عراق برای عراقی‌ها نیست. زمین برای خداست. (قطعاً، زمین متعلق به خداست. او به هر کس بخواهد وامی‌گذارد و عاقبت خوبی برای اهل اقوی

(است) (Dabiq, Ramadan 1435, Issue 1:10-11)

۴. شعارگرایی

شعار مذهبی وهابیون این است: دعا، شفاعت، توسل و مدد خواهی جز از خدا و برای خدا نیست. این سخنان درست است، ولی آنها منظور نادرستی از آن دارند (محسن‌الامین ۱۳۸۷: ۷۰). به همین رویه، شعار داعش نیز روی پرچمش «لا اله الا الله» است که خدایی به جز خدای یگانه نیست. همچنین اشتیاق اینان برای بازیافتن هویت از دست‌رفته، یعنی خلافت اسلامی، شعارهای جذابی درباره احیای خلافت اسلامی سر می‌دهند. شعارهایی مبنی بر سیطره بر جهان و اسلامی کردن کل دنیا به شیوه خلافت (عبدالمالکی ۱۳۹۴: ۴۲).

۵. چند ملیتی شدن وهابیون و تکفیریون داعش

جریان وهابیت بعد از اینکه به دست محمد بن عبدالوهاب و آل سعود در عربستان سعودی رشد و گسترش یافت، به کشورهایمانند هند، پاکستان، مصر و آفریقا هم رسید و پایگاه خود را در میان سنی مذهب‌انجا گسترش داد. با اینکه این جریان، زاده یک کشوری عربی بود، اما کشورهای شرق آسیا را نیز در بر گرفت؛ عراق نیز با توجه به تنوع قومی مذهبی و نیز بنا به ماهیت ضد شیعی ایدئولوژی وهابیت، هدف مناسبی برای این فرقه به شمار می‌رفت. آموزش‌های عقیدتی وهابیون عربستان سعودی در کشورهای اندونزی و مالزی از سال ۱۹۷۰ کاملاً مشهود شد (هرسیج-تویسرکانی ۱۳۹۳: ۱۳۰-۱۱۰).

با نگاهی به گروه داعش مشخص می‌شود که اعضا، سرکردگان و فرماندهانی با تابعیت‌های مختلف در این گروه و پیرامون ابوبکر البغدادی حضور دارند که از معروف‌ترین و بارزترین آنها می‌توان به «تارخان باتیراشیوی» معروف به عمر چچنی، «لاوادرام موهسکری» معروف به ابوعبدالله کوزوویی، «ابوالخطاب الکردی-عراقی»، «ابوحذیفه یمنی»، «ابوعمر عراقی» معروف به بکسور، «احمد ابو سمرا» آمریکایی سوری‌الاصل اشاره کرد (قاسمی ورجانی ۱۳۹۴: ۱۰۷). تروریست‌های انگلیسی، نروژی، آلمانی، بلژیکی و... در برابر دوربین‌های محرمانه نقاب‌های مشکی خود را کنار زده و جوانان سراسر دنیا را به پیوستن به داعش فرامی‌خواندند (نورانی ۱۳۹۴: ۵۵). تعداد جنگجویان تکفیری در گروه داعش به سرعت رو به افزایش بود، به طوری که تعداد آنها در جنگ بین‌المللی بین ۸۰۰۰ تا ۱۱۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شد (توکلی ۱۳۹۳: ۱۶۵).

ردیف	کشور	عضو داعش
۱	تونس	۶۰۰۰
۲	عربستان سعودی	۲۵۰۰
۳	روسیه	۲۴۰۰
۴	ترکیه	۲۱۰۰
۵	اتحادیه اروپا	۵۰۰۰
۶	فرانسه	۱۸۰۰
۷	بریتانیا	۷۴۰
۸	آلمان	۷۶۰
۹	اردن	۲۰۰۰
۱۰	جمهوری آذربایجان	۱۰۴
۱۱	استرالیا	۱۲۰
۱۲	آلبانی	۹۰
۱۳	بلژیک	۴۷۰
۱۴	لبنان	۹۰۰

تعداد نیروهای خارجی داعش - به نقل از ریچادسون (۱۳۹۵: ۲۹۵)

۶. بدنامی وهابیت و تکفیریون داعش

فرقه وهابیت، یکی از عوامل اساسی ایجاد اختلاف در بدنه امت اسلامی و پسرفت جوامع مسلمان در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به شمار می‌رود. بسیاری وهابیت را دشمن شیعه می‌دانند، اما واقعیت این است که این فرقه، دشمن اسلام و حتی اهل سنت است و عقاید ابداعی وهابیت با عقاید، رفتار و گذشته پیروان اهل سنت هم‌ساز نیست. این مذهب جدید به دنبال حذف نگرش اسلام اصیل در جهان است. با توجه به وضعیت کنونی جهان اسلام آنها با ایجاد شکاف در میان کشورهای منطقه غرب آسیا و درگیر کردن کشورهای اسلامی با یکدیگر به دنبال تفرقه هستند. بنابراین با ایجاد درگیری و نزاع میان کشورها و ایجاد خشونت و در پی آن رعب و وحشت چیزی جز بدنامی برای مذهب خودشان باقی نگذاشتند (هرسیج-تویسرکانی: ۱۳۹۳: ۳۳۰-۳۰۰).

با بررسی برخی رفتارهای داعش، مانند برده‌داری که به طور رسمی از آن دفاع می‌کنند و معتقدند که قرآن، اجازه هم‌خوابگی با زنان اسیر و از نظر آنها کافر را داده است (ریچاردسون ۱۳۹۵: ۳۱۴)، تخریب بناهای تاریخی شهر موصل، بریدن سر خبرنگاران و امدادگران به اسم اسلام و سوزاندن کتاب‌ها که نیروهای داعش در اوایل سال ۲۰۱۵ حدود دو هزار نسخه کتاب را از کتابخانه مرکزی موصل خارج کردند و به آتش کشیدند (ریچاردسون ۱۳۹۵: ۳۱۷) چیزی جز بدنامی از خود بر جای نگذاشته‌اند.

۷. پیامدهای منفی اعمال آنان برای اسلام (اسلام هراسی و اسلام زدایی)

جریان تکفیری وهابیت که از سوی غرب به نام‌های مختلفی مانند جهادی‌های اسلامی، تروریست‌های اسلامی و بنیادگرایان اسلامی شهرت یافته، با ارائه تصویری غیر واقعی و مخدوش از اسلام به افکار عمومی جهان؛ پیامدهای بسیار منفی برای کل جریان بازگشت به اسلام و جریان ضدیت با غرب داشته و تداوم این وضعیت، حتی جهان اسلام را تهدید خواهد کرد (هرسیج-تویسرکانی ۱۳۹۳: ۲۴۳-۲۴۱).

کشتارهای فجیع و غیر انسانی، چهره‌های زشت و ناپسند، خشونت‌طلب و افراطی از اسلام را در افکار عمومی غرب به تصویر کشیده است؛ در واقع، داعش با اقدام‌های خود به پروژه اسلام هراسی که از سوی رسانه‌های غربی به جهان مخابره می‌شود، کمک شایانی می‌کند. انعکاس گسترده تصاویر قتل عام داعش توسط بی‌بی‌سی، گاردین و دیگر رسانه‌های غربی شاهدهی بر این مدعاست (صدر الحسینی ۱۳۹۵: ۱۳۵). داعش با انتشار گسترده ویدیوهایی شامل سر بریدن افراد، کشتارهای گروهی و همچنین رژه‌های پیروزی خود در فضای مجازی در میان نیروهای نظامی طرف مقابل و ساکنان شهرهایی که آنها را قلمرو خلافت خود می‌داند، رعب و وحشت ایجاد می‌کند (نورانی ۱۳۹۴: ۷۴-۷۲).

۸. تفرقه میان شیعه و سنی

محمد بن عبدالوهاب و وهابیان با تأسی از افکار ابن تیمیه بر این باورند که برای ایجاد تفرقه بین مسلمانان و مرزبندی بین شیعه و سنی، سزاوار است که از مستحبات و سنت‌های ثابت پیامبر اکرم (ص) دست برداشته و آن را کنار بزنیم. او می‌گوید:

اگر امری مستحبی جزو شعار شیعه شود و به آن عمل کنند، مناسب است پیروان ابن تیمیه به آن مستحب عمل نکنند؛ زیرا به عقیده وی،

مصلحت تفرقه‌اندازی و مرزبندی برای تشخیص و شناخت شیعه از سنی و تمییز از همدیگر، از مصلحت عمل به مستحبات و سنت ثابت شده در شرع اسلام، برتر و اولی است (هرسیچ و تويسرکانی ۱۳۹۳: ۵۵-۵۴).
ایجاد تفرقه و اختلاف میان شیعه و اهل تسنن از اهداف داعش بوده و در جهاد رسانه‌ای خود بر استراتژی سه‌گانه روانی، اجتماعی و مذهبی تمرکز نموده است. به تعبیر دیگر، از احساسات مذهبی در راستای ارتقای مبارزات تروریستی و ایده‌های رادیکالیسم خود بهره می‌برد (نجات ۱۳۹۴: ۱۳۲).

۹. هم‌گرایی با کشورها و گروه‌های دارای اهداف مشترک

تکفیری‌ها به‌ویژه وهابیون در مقابل رژیم صهیونیستی رویکرد تساهلی اتخاذ کرده‌اند. همچنین تعاملات نهانی آنها نیز بخشی از رویکرد وهابیت دولتی در قبال اسرائیل است. وهابیون در مواقع حساس رویارویی بین بازیگران منطقه و اسرائیل، نه تنها نقش مثبتی در حمایت از جریان‌ها و بازیگران ضد اسرائیلی ندارند، بلکه عملاً مانع حمایت‌های اسلامی از بازیگران ضد اسرائیلی می‌شوند. برای مثال مفتی وهابی عربستان سعودی در اظهارات خود تحریم کالاهای غربی و صهیونیستی را تندروی و افراط‌گرایانه خواند (مؤسسه نور ۱۳۹۳: ۳۶).

آنچه گروه‌های تکفیری در عربستان، سوریه و عراق انجام داده، می‌تواند در راستای تأمین امنیت اسرائیل مورد توجه واقع شود. گروه داعش عملاً محور مقاومت مخالف اسرائیل را نشانه گرفته‌اند که در صورت موفقیت آنها اسرائیل می‌تواند به یکی از اهداف امنیتی و راهبردی خود یعنی تضعیف محور مقاومت و فعالیت در راستای فرورپاشی آن دست یابد؛ با این تفاسیر گویا نوعی هماهنگی نانوشته بین داعش و اسرائیل وجود دارد. بر اساس ادبیات جهادگران داعش مبارزه با دشمن نزدیک (العدو القریب) بر مبارزه با دشمن دور (العدو البعید) اولویت دارد (عبدخدایی-تبریزی ۱۳۹۴: ۱۵۳).
بغدادی به عنوان رهبر آنها جنگ با دشمن نزدیک (شیعیان و دولت‌های منطقه) را اولویت خود می‌داندست (fishman 2006: 20-21).

نتیجه‌گیری

با مطالعه و مذاقه در اندیشه و رفتارهای گروه‌های تکفیری وهابیت و داعش در ابعاد بینش، گرایش و کنش؛ این مهم به دست آمد که این دو جریان در مقام نظر و عمل و بیشتر در بُعد عمل اشتراک بسیار دارد که از آن جمله می‌توان به نقاط مشترک آنها در مسأله توحید و شرک اشاره کرد.

شباهت‌های بینشی میان وهابیون و داعش در تکفیر غیر از خودشان است که سبب شباهت هرچه بیشتر این دو جریان به یکدیگر می‌شود. در منظومه فکری این دو گروه، معنای کفر آن قدر وسیع است که موجب تکفیر غیر خودی از هر دین و آئینی، از مسلمان شیعه و سنی گرفته تا زرتشتی، ایزدی و... می‌شود. می‌توان اینگونه بیان کرد که اساس این گروه‌ها بر نوعی تفکر صفر و صد و سیاه و سفید استوار است و حد وسط و خاکستری وجود ندارد؛ بنابراین، ایده تقسیم جامعه به دو قسمت دارالاسلام و دارالکفر رخ می‌دهد.

آنها با بدعت به هر نوع و شکل مخالف بوده و هرکس بدعت در دین داشته باشد؛ مجدداً در زمره کافران قرار گرفته، خون و مال و جان وی حلال می‌شود. در نظر این گروه، عقل مفهومی بی‌ارزش است و آنها با تکیه بر نقل و استدلال ظاهری به آیات و روایات و حتی احادیث مجعول و تحریف‌شده برداشت‌های خاص و ظاهری خود را از دین و سنت دارند.

جهاد در منظر آنها، مفهومی بسیار ساده و ابتدایی دارد. از شباهت‌های گرایشی (اخلاقی) داشتن انگیزه حق طلبانه و پیمودن راه باطل هست. آنها با انگیزه برقراری حکومت اسلامی در سراسر جهان و پیاده‌سازی احکام و قوانین اسلام، اما با بهره‌گیری از راه باطل یعنی تهدید و ارباب، کشتار و قتل، قصد رسیدن به این مقصود را دارند. این دو جنبش فکری در برداشت‌های خود از دین بسیار قشری و کوتاه‌نظر هستند و با برداشت‌های ساده و کوتاه‌بینانه از آیات و روایات دست به عمل می‌زنند.

این دو گروه در بعد اخلاقی (کنش) هم دارای شباهت‌هایی می‌باشند و با ظاهر مقدس، لباس و محاسن در مردان و پوشیه و لباس‌های بلند و تیره در زنان از خود ظاهر مقدس نشان می‌دهند. از مطالب مهم در اندیشه این دو گروه در بُعد کنش می‌توان از تمسک به اصل هجرت نام برد. وهابیون و داعش با پرداختن به اصل هجرت از دار کفر به دار اسلام، افراد را تشویق به این امر می‌کنند تا تحت زعامت خودشان

قرار گیرند. آنها با شعارهای جذاب مانند شعار احیای خلافت اسلامی و شعار لا حکم الا الله و در پی آن، تکفیر افراد و ریختن خون مخالفان خود سبب بدنامی خودشان در جهان شده‌اند. این دو گروه با انجام اعمال خشونت‌بار، چهره‌ای بسیار خشن از اسلام ارائه کرده و سبب اسلام‌هراسی در سراسر جهان شده‌اند. در انتها شباهت‌های میان وهابیون و داعش در نمودار شماره ۲ به خلاصه آورده شده است.



نمودار شماره ۲: شباهت‌های وهابیون و تکفیریون داعش

- بابایی آریا، علی. (۱۳۸۹) *آشنایی با پیشینه مبانی و دیدگاه‌های جریان وهابیت*، تهران: انتشارات مشعر.
- بامری، جواد. (۱۳۹۵) *داعش شجره خبیثه*، قم: انتشارات شهید کاظمی.
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۸۹) «ساختار فهم اندیشه سیاسی اسلام»، *دانش سیاسی*، شماره ۱۲.
- توکلی، سعید. (۱۳۹۳) «القاعده، داعش؛ افتراقات و تشابهات»، *آفاق امنیت*، شماره ۲۳.
- رضوانی، علی اصغر. (۱۳۸۵ الف) *مبانی اعتقادی وهابیان*، قم: انتشارات مسجد جمکران.
- _____ (۱۳۸۵ ب) *شناخت سلفی‌ها*، قم: انتشارات مسجد جمکران.
- صدرالحسینی، سیدرضا. (۱۳۹۵) *اندیشه و عمل داعش*، قم: انتشارات زمزم هدایت.
- عبدالمالکی، سعید. (۱۳۹۴) *تحلیل روان‌شناختی پدیده داعش*، تهران: نشر علم.
- عبدخدائی، مجتبی و تبریزی، زینب (تابستان ۱۳۹۴) «نقش گروه‌های تکفیری - تروریستی سوریه و عراق در تأمین امنیت اسرائیل»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال دوازدهم، شماره ۴۱.
- علیزاده موسوی، سید مهدی. (۱۳۹۳) *تبارشناسی سلفی‌گری و وهابیت*، قم: انتشارات آوای منجی، چاپ ششم.
- عظیمی، محمود. (۱۳۷۹) *خدا در آیین وهابیت*، قم: نشر بخشایش.
- فیروزآبادی، حسن. (۱۳۹۳) *تکفیری‌های داعش را بشناسیم*، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- قاسمی ورجانی، مهدی. (۱۳۹۴) *گفتمان داعش*، تهران: انتشارات ستوس.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۹هـ) *لسان‌العرب*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- لوییس ریچاردسون. (۱۳۹۵) *تروریست‌ها چه می‌خواهند*، ترجمه عسگر قهرمان پور و خدیجه حیدری، تهران: انتشارات دیپلماج.
- محمدیان خراسانی، حامد. (۱۳۹۰) «اجتهاد از نگاه وهابیون»، *سراج منیر*، شماره ۳.
- محسن‌الامین، سید محسن. (۱۳۸۷) *وهابی‌ها*، ترجمه سید ابراهیم سید علوی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۴) *وهابیت برسر دوراهی*، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب^(ع).
- مصطفی، حسن. (۱۳۹۴) *داعش، زیرساخت‌های معرفتی و ساختاری*، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی آفتاب خرد.
- مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور. (۱۳۹۳) *ماهیت و جایگاه جریان‌های سلفی در کشورهای اسلامی*، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- نورانی، سیدمهدی. (۱۳۹۴) *داعش از کاشت تا برداشت*، قم: انتشارات مجد اسلام.

- نجات، سید علی. (۱۳۹۴) *کالبدشکافی داعش*، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- هرسیج، حسین و تویسرکانی، مجتبی. (۱۳۹۳) *چالش‌های وهابیت*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- Dabiq (The return of khalifah) Issue 1, Ramadan 1435.
- _____ (The Flood) Issue 2, Ramadan 1435.
- _____ (Al-qa'idah of Waziristan a testimony from within) Issue 6, Rabi'Al-Awwal 1436.
- _____ (From Hypocrisy to Apostasy, the Extinction of the Grayzone) Issue 7, Rabi'Al-Akhir 1436.
- Fishman «(2006) after Zarqawi: the dilemmas and future of AlQaeda in Iraq», *the Washington quarterly*, vol.29, no4.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی